



اشتباه استراتژیک اروپا؟



حمید روشنائی

کارشناس امور بین‌الملل

اسنپک اولین و آخرین اشتباه اروپا در قبال ایران نبوده و نخواهد بود اما مهمترین آنها می‌باشد زیرا دولت و مردم کشورمان را نسبت به آینده همکاری‌ها ناامید کرد.

تاریخ روابط ایران و اروپا پر است از نشیب و فرازهایی که در مراحل مختلف به‌وجود آمد و مردم ایران با سربلندی از آن عبور کردند. به صورت کلان می‌توان ادوار تاریخی روابط ایران و اروپا را به ۵ دوره تقسیم کرد:

۱- شروع روابط با همکاری و اتحاد علیه عثمانی (دوران صفویه) ۲- نفوذ و رقابت‌های استعماری اروپائیان در ایران (دوران قاجار) ۳- وابستگی به غرب و نوسازی ایران (دوران پهلوی اول و دوم) ۴- تنش و مقابله‌جویی (پس از انقلاب اسلامی) ۵- مذاکره و فشار (پرونده هسته‌ای)

در همه این دوران‌ها دیدگاه مردم ایران نسبت به اروپا، نگاهی پر از بیم و امید بوده است. از زمانی که دانشجویان ایرانی به فرنگ سفر می‌کردند و با دستان پر از داستان‌ها به کشور باز می‌گشتند، اروپا همیشه برای ما نماد آبادانی و پیشرفت بوده و برای سال‌های متمادی، جهان را از دریچه آن می‌نگریستیم و همین شد که عده‌ای لباس تقلید را پوشیدند و سر تا پا فرنگی شدند.

بعد از انقلاب اسلامی، اروپا جایگاه خودش را به عنوان یک دوست از دست داد لیکن با شروع مذاکرات برجام به‌عنوان بزرگترین پروژه مشترک ایران و اروپا، امید به بازگشت همکاری‌ها برای حل مشکلات فیمابین افزایش یافت. تجربه ۱۰ ساله برجام، به سرعت امیدها را تبدیل به یأس کرد و مکانیسم ماشه آخرین تیری بود که می‌توانست قلب آن را هدف بگیرد.

از زمانی که اولین استعمارگران پرتغالی پای‌شان به خلیج‌فارس باز شد تا به امروز، اروپایی‌ها اشتباهات زیادی در کشورمان مرتکب شدند که منشأ برخی از آن‌ها را می‌توان به دلائل زیر دانست:

۱- **عدم شناخت و درک عمیق از فرهنگ و خصوصیت ایرانیان:** به‌رغم آنکه بزرگترین شرق‌شناسان و ایران‌شناسان، اروپایی بوده‌اند لیکن برخی ویژگی‌ها موجب گردید که آنها هرگز نتوانند به عمق فرهنگ و درک ما ایرانیان از مسائل پیرامونمان پی ببرند. تفاوت رفتاری مردم ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی، دوران جنگ تحمیلی و پس از آن، فرنگی‌ها را دچار نوعی سردرگمی کرده است.

۲- **خصلت استعماری و خودبزرگ‌بینی اروپائیان:** روحیه جهل‌گیری و استعماری اروپائیان موجب گردیده که برخی واقعیت‌ها را در مورد کشورهای هدف درک نکنند. برای انگلیسی‌ها ایران همسایه هند بوده و نیاپستی می‌گذاشتند پیشرفت کند، برای شرق‌شناسان، ایران سرزمین گل و بلبل بوده و امکان انقلاب و خشونت در آن وجود نداشته است و...

۳- **پیروی از آمریکا بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲:** با توجه به تغییر نظام بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم و قدرت گرفتن استعمارگر جوان، اروپا برنامه‌های خود را در ایران با آمریکا هماهنگ می‌نمود و همین موجب شد پس از اشغال سفارت آمریکا در تهران، اروپا وارد روابط خصمانه با ایران گردد که با افسای پرونده هسته‌ای ایران، این رفتار غیردوستانه اوج گرفت.

۴- **ناتوانی و عدم صداقت اروپایی‌ها در انجام تعهدات‌شان:** اروپائیان همانگونه که در حال از دست دادن موقعیت خود به‌عنوان استعمارگران بزرگ در جهان بوده‌اند، در پروژه‌های مشترک با ایران نیز، دیگر آن توان و عملکردی سابق را نداشته و سعی در پرده‌پوشی از آن نمودند. نمونه بارز آن بعد از خروج آمریکا از برجام بود که با طرح‌هایی همچون اینستکس به‌وقت کشی پرداختند.

شایان ذکر است اقدامات نسنجیده و سخنان نادرست برخی افراد تندرو در بین دولتیان و مردم ایران به این اشتباهات اروپائیان دامن زد و کارهایی همچون اشغال سفارت انگلیس بر هیزم این اختلافات افزود و دیوار بی‌اعتمادی بین ایران و اروپا را بلندتر نمود. با این وجود اروپائیان به خوبی می‌دانستند که بازگشت تحریم‌ها بیش از آن که دولت ایران را مورد هدف قرار دهد، مردم ما را تحت آزار و اذیت و تنگدستی قرار خواهد داد و حتی به ایرانیان خارج از کشور که به‌نوعی میهمانان آنان بودند، آسیب وارد می‌کند. این برداشت از مکانیسم ماشه موجب گردید تا ذهنیت مردم ایران نسبت به اروپا تیره‌تر شود و به یقین می‌توان گفت این اشتباه راهبردی اروپا علیه ایران بوده و هست.

عکس: محمد یزدانی/آرژوش



نظر
خواهی

سفت‌تر کردن کمر بندها

سناریوهای پیش روی دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی پس از بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت چیست؟



شهاب شهنواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

ساعت ۴:۳۰ دقیقه بامداد روز یک‌شنبه، بعد از ۹ سال و ۹ ماه، ۶ قطعنامه تحریمی شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران بار دیگر وارد فاز اجرایی شدند. حتی تا ساعاتی پیش از این رویداد، همچنان امیدهایی وجود داشت که دیپلمات‌های ایرانی در مذاکره با طرف‌های

فرد از لحاظ منطق صوری خودش نوعی پیش‌بینی‌پذیری است. کشورهای دیگر نمونه‌های بسیار خوبی در تعامل با دونالد ترامپ هستند. برای مثال ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین را ببینید که چگونه در کاخ سفید مورد استقبال تند و توهین‌آمیز رئیس‌جمهور و معاون رئیس‌جمهور آمریکا قرار گرفت و حالا بعد از گذشت چند ماه چقدر وضعیشت تغییر کرده است و توانسته است حمایت آمریکا را جلب کند. ما نباید مسائل و رویدادهای نظام بین‌الملل را مطلق و ایستا فرض کنیم. پویایی‌های نظام بین‌الملل بسیار هستند و می‌توان از فرصت‌هایی برای تغییر وضعیت بهره برد. توصیه من این است که نخست اجازه ندهیم فضا متشنج‌تر شود، دوم اینکه به سمت تقابل تمام‌عیار نرویم، سوم باب مذاکره را نبندیم، چهارم با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تقابل نداشته‌باشیم و البته از همه مهم‌تر؛ اینکه اینقدر هم ادعا نکنیم که تحریم‌ها بی‌تاثیر است. همین که عده‌ای می‌گویند تحریم‌ها چندان اثرگذاری میدانی ندارد و فقط اثر آن روانی است، باید بدانند که تاثیر روانی خودش بزرگ‌ترین عامل برای ایجاد ناامنی روانی در کشور و تشدید تورم و فشار معیشتی مردم است. حتی اگر فرض کنیم که تحریم‌ها اثر میدانی هم نداشته‌باشد و اثر آنها صرفاً روانی باشد، همین تاثیر روانی هم به سادگی قابل بازگشت به قبل نیست.

ایران سال ۱۳۹۴ با انعقاد برجام توانست قطعنامه‌های شورای امنیت را تعلیق کند و تحریم‌های بین‌المللی را عملاً در یک چارچوب زمانی مشخص لغو کرد. اما شرایط امروز ایران با شرایط دوران برجام بسیار متفاوت است. تفاوت‌ها محرز و بین است. در آن دوران ایران

نشان بدهند، اما دست‌کم در عمل به این تحریم‌های ظالمانه تن ندهند. وجه دیگر قضیه در داخل کشور است که من بارها در گفت‌وگوها و مصاحبه‌های مختلف توضیح داده‌ام که ضروری است اصلاحاتی در داخل کشور انجام شود تا تولید ملی تقویت شود. هیچ ابزاری قوی‌تر از تولید ملی برای مقابله با آثار تحریم‌های بین‌المللی وجود ندارد. وجه دیگر مسئله رسانه‌ها و افکار عمومی است. اقدام به شخم زدن گذشته و مقصریابی برای وضعیت کنونی از سوی رسانه‌ها، کارشناسان و حتی مقام‌ها، کمکی به بهبود وضع جاری نمی‌کند. از یک طرف یک عده مدام تکرار می‌کنند که قطعنامه‌های بازگشته همان قطعنامه‌هایی است که در دوران مذاکرات فلانی و بهمانی صادر شد. عده‌ای دیگر هم مدام می‌گویند که در ۱۰ سال گذشته هر مشکلی که کشور داشته است به برجام و توافق هسته‌ای باز می‌گردد، انگار که ریشه همه مشکلات کشور برجام است. رسانه‌ها و کارشناسان نه باید آثار بازگشت تحریم‌ها را ناچیز وانمود کنند و نه باید بزرگنمایی انجام شود که دل مردم خالی شود و اتحاد ملی بر هم زده شود. ایران امروز به شدت برای تاب‌آوری در مقابل فشار حداکثری آمریکا به تاب‌آوری ملی نیاز دارد. در این شرایط

افکار عمومی و رسانه‌ها ایران به عنوان کشوری اهل تعامل تصویر شود. دوم اینکه ایران نباید به پر و پای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بپیچد. آژانس یک نهاد فنی و تخصصی است؛ هر چند که ممکن است از آن به عنوان یک ابزار سیاسی هم استفاده شود، ولی تقابل با آژانس هیچ اعتبار بین‌المللی برای جمهوری اسلامی نمی‌آورد. باید در رفتار با آژانس به عواقب و پیامدهای هر تصمیمی توجه کرد. در شرایطی که ایران عضو پیمان عدم اشاعه (NPT) است، نباید نظارت آژانس را بر اساس توافقنامه جامع پادمان به هیچ بهانه‌ای قطع کند. حتی اگر کشورهایی به تاسیسات هسته‌ای ایران حمله کرده‌باشند، باز هم نظارت و بازرسی آژانس از جمله تعهدات ایران در پیمان عدم اشاعه است. سوم اینکه تکیه به حمایت چین و روسیه در شرایط فعلی خیلی راهگشا نیست؛ چراکه آنها هم ابزارهای لازم را برای مقابله با تحریم‌های گسترده و تهدیدهای غرب جمعی ندارند. به نظر من اینکه یک کشور فقط یک سمت عالم را بگیرد و طرف دیگر را رها کند، خروج از توازن در سیاست خارجی است و به‌هیچ‌عنوان به نفع کشور نیست. این تشدید تنش در فضای سیاسی، مقوله‌ای است که به‌هیچ‌عنوان قابل قبول نیست. نکته چهارم اینکه در مورد مذاکره باید توجه داشت که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا شخصیتی خاص دارد، در کلامش نوسان بسیار وجود دارد، اما پیش‌بینی‌ناپذیری یک



جهانبخش ایزدی

استاد روابط بین‌الملل

سیاست یک وضعیت ژلاتینی دارد؛ در سیاست نباید قائل به بن‌بست بود. در سیاست قابلیت سازش وجود دارد، قابلیت ستیز، جنگ و صلح وجود دارد. به باور من راهکار دیپلماتیک برای وضعیت فعلی کشور وجود دارد، اما در شرایط خاص فعلی نباید انتظاراتی حداکثری از دیپلماسی داشت. بعضی وقت‌ها در دیپلماسی ممکن است که در مقطع خاصی یک طرف کوتاه بیاید و پاره‌ای از عناصر را واگذار کند تا در شرایط دیگری بتوانید مجدداً آنها را به دست بیاورید، اما از شرایط بد فعلی رها شوید. سعدی می‌گوید: «با بدان آن به که کم گیری ستیز / چون نداری ناخن درنده تیز». وقتی شرایط شما مساعد نیست، طبعاً باید رفتار، دیپلماسی و مذاکره هم تعدیل شود.

در شرایط فعلی باید چند اقدام اساسی در سیاست خارجی در پیش گرفته‌شود یا از اقدام‌هایی اجتناب شود. نخست اینکه ایران نباید بر طبل تقابل بکوبد و باید همچنان اهل تعامل باشد و در روایت

تاب‌آوری حداکثری در برابر فشار حداکثری



حسن بهشتی‌پور

تحلیل‌گر مسائل بین‌الملل

مواجهه با شرایط فعلی و بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد یک مسئله پیچیده، چندلایه و چندوجهی است. با توجه به تحولات بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی باید همه جنبه‌های این رویداد را با دقت بررسی کرد. دستگاه سیاست خارجی ایران نمی‌تواند در مواجهه با این شرایط صرفاً مشغول شورای امنیت سازمان ملل متحد شود. البته دستگاه دیپلماسی ایران باید با استفاده از کمک روسیه و چین در شورای امنیت تا جایی که می‌تواند جلوی تصویب

قطعنامه‌های جدید یا جلوی تصویب بودجه برای پیشبرد قطعنامه‌های ۶گانه و تشکیل یا تصمیم‌گیری در کمیته‌ها و پنل‌های موضوعه این قطعنامه‌ها را بگیرد. روسیه و چین در هر صورت از حق وتو برخوردار هستند و شاید راهکارهای رویه‌ای و اداری در شورای امنیت اجازه بدهد که تا حدی جلوی برخی از اقدام‌ها علیه ایران را بگیرند. اما صرفاً این یک وجه قضیه است. ما در سطح بین‌المللی باید اقداماتی را انجام دهیم که بتواند سیاست جمهوری اسلامی ایران را برای کشورهایی که احتمال می‌دهیم آمادگی اجرا نکردن قطعنامه‌ها را دارند، تبیین کند. برخی کشورها مانند هند، آفریقای جنوبی و برزیل ممکن است که علناً شجاعت اعلام مخالفت با قطعنامه‌ها را نداشته‌باشند، اما در عمل بتوانند از اجرای آن خودداری کنند. باید با این کشورها وارد گفت‌وگو و مذاکره شد که حتی اگر نمی‌توانند مخالفت صریح با این قطعنامه‌ها